

مغایرت واگذاری بانک رفاه کارگران با اصل ۴۴ قانون اساسی

گزارش

مجلس شورای اسلامی در حالی مصوبه «واگذاری سهام بانک رفاه کارگران» را با استدلال و منطق پیگیری خصوصی سازی، دنبال می کند که از اساس دقت در متن سیاست های ابلاغی اصل (۴۴)، خود خلاف قانون بودن این تصمیم را روشن می سازد.

در دو دهه گذشته مسأله اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی در کشور یکی از بحث برانگیزترین موارد را در نهادهای حاکمیتی و بخش خصوصی به خود اختصاص داد؛ تصمیماتی سرنوشت ساز و بعضاً پرهزینه که نیازمند دقت بالا در درک متون قانونی و بصیرت کافی در فهم ساختار نهادهای بود. یکی از پرچالش ترین بحث هایی که در سال های اخیر در حوزه اجرای سیاست های اصل (۴۴) قانون اساسی مطرح شد، مسأله واگذاری سهام بانک رفاه کارگران بود. این در حالی است که در سیاست های ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب، به روشنی مواردی یافت می شود که بر خلاف قانون بودن این تصمیم تأکید دارد. به رغم این موارد، مجلس یازدهم در اسفندماه سال گذشته ذیل اجرای این سیاست ها و با استدلال و تکیه بر اهمیت اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی در این باره بر مصوبه قبلی مبنی بر واگذاری سهام، تأکید و برای آن بازه زمانی تعیین کرد. همان طور که اشاره شد اصل (۴۴) و سیاست های ابلاغی رهبر معظم انقلاب هیچ همخوانی با شرایط بانک رفاه ندارند. اگرچه تردیدی در نیت و اراده نمایندگان مجلس برای قانونگذاری در مسیر بهبود امور نیست، اما در بررسی این مسأله، نکاتی مورد غفلت واقع شده است؛ نکاتی در دل سیاست های اصل (۴۴) قانون اساسی که نشان می دهد استناد به این اصل مترقی قانون اساسی برای اجرای تصمیم واگذاری سهام بانک رفاه کارگران، قانونی نیست.

کوچک سازی دولت؛ نه کوچک سازی نهاد مردمی

بر اساس تصریح جزء یک از بند «الف» سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، هدف از اجرای این سیاست ها، کوچک سازی دولت و واگذاری فعالیت های اقتصادی دولت به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی است. به همین دلیل در جزء (۳-۲) بند «الف» این سیاست ها نیز به هر یک از نهادهای عمومی غیردولتی اجازه داده شد فعالیت بانکداری انجام دهند و «بانکداری توسط بنگاه ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت های تعاونی سهامی عام و شرکت های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون»، تجویز شد که به هیچ عنوان در خصوص سقف تملک سهام مذکور به صورت عام و مطلق برای همه سهامداران بانک ها، تکلیفی به تعیین سقف کمتر از ۵۰ درصد ندارد. به بیان روشن تر، موارد مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی مثل بانک رفاه، نه تنها امکان واگذاری ندارد بلکه باید بخش هایی همچون ایسن بانک بیش از وضعیت فعلی

هم به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شود.

رحمت الله فیروزی پوربادی، نماینده مردم نطنز در مجلس آذرماه سال گذشته در زمانی که بحث واگذاری سهام بانک رفاه کارگران در مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود در گفت وگو با خبرنگار مهر، با یادآوری اینکه «هدف از قانون اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی، ایجاد محدودیت برای استمرار مالکیت بیش از نصف جمعیت کشور نسبت به سهام بانک رفاه نیست و با توجه به سابقه ۶۰ ساله بانک رفاه که همواره در کنار سازمان تأمین اجتماعی بوده، این بانک نمی تواند از مصادیق حکم ماده (۵) قانون اجرای اصل (۴۴) باشد، تأکید کرد که در سنوات اخیر با توجه به وضعیت مالی سازمان تأمین اجتماعی و برهم خوردن تعادل منابع و مصارف آن، نقش بانک رفاه در استمرار خدمات به بیمه شدگان و مستمری بگیران بیش از پیش مهم و حیاتی است. در صورت عدم تعلق سهام بانک رفاه به سازمان تأمین اجتماعی و عدم استفاده از ظرفیت مالی این بانک، ارائه بخش مهمی از خدمات به ویژه پرداخت مستمری ها با مشکل جدی مواجه می شود.

این نماینده مجلس، اهداف سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی عنوان و تأکید کرد که اولین مورد از مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری نیز بر اساس جز (۲) بند «د» سیاست های کلی اصل (۴۴) ایجاد خودتکایی برای خانواده های مستضعف، محروم و تقویت تأمین اجتماعی تعیین شده است. وی در این باره گفت: «واگذاری سهام بانک رفاه کارگران و محدودیت در تملک سهام آن که متعلق به مشمولان تأمین اجتماعی است، منجر به تضعیف تأمین اجتماعی می شود که مغایر با سیاست های کلی اصل (۴۴) است.»

گسترش عدالت برای نهادهای غیردولتی

مسأله دوم در سیاست های کلی اصل (۴۴) که در



این تصمیم مورد غفلت واقع شد «گسترش مالکیت در سطح عمومی مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی» و «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی» است. وقتی سازمان تأمین اجتماعی از اساس با این هدف فعالیت می کند و کارنامه ای از این جنس در دست دارد، چرا باید سایه یک اصل مربوط به نهادهای دولتی را بر سر آن انداخت؟

در این بین، نکته قابل توجه این است که در سیاست های کلی نظام تأمین اجتماعی، اولین مورد از مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری، «ایجاد خودتکایی برای خانواده های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی» تعیین شده؛ یعنی از اساس جامعه هدف برای خدمت رسانی نیز مردم هستند. از این رو، واگذاری سهام بانک رفاه که متعلق به بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی است، با ایجاد اخلاف در چرخه مالی این سازمان همراه خواهد بود که نه تنها با سیاست های اصل (۴۴) قانون اساسی همخوانی ندارد که در عرصه عمل نیز تضاد جدی دارد. علی اصلانی عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار اخیراً در گفت وگویی با ایسنا در این باره گفت ۹۸ درصد سهام بانک رفاه متعلق به کارفرمایان و کارگران است و بدون رضایت آنها چنین کاری امکان پذیر نیست. علاوه بر اینکه سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی غیردولتی است، پس چگونه می توان سهام بانک را آن هم از طریق وزارت صمت واگذار کرد؟ مگر تأمین اجتماعی هیأت امنا ندارد؟

اصلانی همچنین به آیه و حدیث درباره موضوع حق الناس اشاره کرده و گفته است اساسنامه بانک رفاه از سال ۱۳۵۷ بر این منوال تدوین شده که تبدیل به یک منبع و ذخیره پولی شود تا برای روز مبادا و درمان و پرداخت وام و خرید مسکن به کارگران و بازنشستگان اختصاص یابد؛ لذا صفر تا صد این بانک متعلق به جامعه کارگری، کارفرمایی و بازنشستگان است.

این مقام کارگری در پاسخ به این پرسش که آیا سهام

رفاه

بانک رفاه در صورت واگذاری در بورس به بازنشستگان و کارگران داده خواهد شد یا خیر؟ تأکید کرده که «اولاً با واگذاری سهام بانک در بورس به هیچ وجه موافق نیستیم و این موضوع باید با رضایت کارگران و بازنشستگان باشد. ثانیاً اگر قرار به واگذاری است، باید سود آن با اولویت کارگران و بازنشستگان باشد، اما این کار فرایند خاص خود را دارد که ابتدا باید تشکیل تعاونی داده و ثبت شرکت صورت گیرد تا تجاری شود و تعاونی عضوگیری کند تا این سود تعلق گیرد.»

توضیحات این عضو شورایعالی کار نیز نشان می دهد، نه اصل تصمیم، نه شرایط اجرا و نه نتایج اجرای آن هیچ همخوانی با هدف، متن و نتایج اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ندارد.

به نام خصوصی سازی؛ به کام؟!

با مرور تاریخچه فعالیت سازمان تأمین اجتماعی و ذیل آن بانک رفاه کارگران، می بینیم بانک رفاه کارگران که در حکم تأسیس آن یک «بانک تعاونی» و یکی از مجموعه های اقتصادی سهامی عام به معنای واقعی کلمه بوده، به میلیون ها نفر بیمه شده و مستمری بگیر سازمان تأمین اجتماعی تعلق داشته است.

این در حالی است که بر اساس سیاست های کلی اصل (۴۴)، نهادهای عمومی غیردولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی می توانند تا ۸۰ درصد سهام شرکت های دولتی را تملک و مدیریت کنند و این نهادهای از مصادیق مجاز برای خرید و تملک سهام واگذاری دولت هستند؛ لکن بعدها به موجب قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) و اصلاحات چندباره آن، به اشتباه سازمان تأمین اجتماعی مشمول اصل (۴۴) و مکلف به واگذاری سهام خود شده و سقف تملک سهام به ۴۰ درصد محدود شده است. در حالی که قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) می بایست منجر به کاهش تصدی گری دولت می شد، حال آنکه در این تصمیم عکس این هدف محقق و عملاً دولت دست بازتری در تأمین اجتماعی و بانک رفاه پیدا می کند. این در حالی است که تأکید موکد بر این است که بانک رفاه کارگران متعلق به میلیون ها نفر از بیمه شدگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی است و از ابتدا تاکنون همواره و حتی بیش از بانک های دیگر مقید به رعایت قوانین بانکی و اعمال نظارت بانک مرکزی بوده و هست و اطلاعات مربوط به این بانک از مدت ها قبل در کدال بورس بارگذاری شده و در دسترس است. با این حال، طرفداران خصوصی سازی بانک رفاه کارگران و بردن آن به بورس با چه استدلالی این مسأله را پیگیری می کنند؟

آنچه مدافعان واگذاری سهام بانک رفاه دنبال می کنند، تلاش برای کاهش تصدی گری و بنگاهداری دولت و حکم به تملک مال غیردولتی توسط دولت و البته افزایش تصدی گری و بنگاهداری دولت است. این اقدام هر چه هست، برچسب اجرای سیاست های اصل (۴۴) قانون اساسی بر آن نمی چسبد.

بانک رفاه، ابزار مالی اصلی سازمان تأمین اجتماعی



به گفته مدیرعامل اسبق سازمان تأمین اجتماعی، پیگیری او و حمایت هاشمی رفسنجانی رییس جمهور وقت، ثابت می کند شرایط این بانک با دیگر بانک ها متفاوت و منابع اصلی آن از پول کارگران بوده و بیمه



atiyenow.ir

یادداشت



سازمان تأمین اجتماعی و نیاز به یک بانک تخصصی



حمید حاجی اسماعیلی کارشناس مسائل اقتصادی با اشاره به اینکه بانک رفاه کارگران بر اساس قانون، زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی است، اظهار داشت: «خروج این بانک از زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی به هیچ وجه صحیح نیست؛ زیرا با توجه به گردش مالی بالای سازمان تأمین اجتماعی، این صندوق نیاز به بانک تخصصی دارد؛ همانگونه که بسیاری از نهادها مانند شهرداری و یا سایر ارگان ها برای خود یک بانک دارند.»

حاجی اسماعیلی گفت: «سازمان تأمین اجتماعی برای تأمین نقدینگی و همچنین سرمایه گذاری های که به وسیله شرکت شستا انجام می دهد به یک نهاد مالی نیاز دارد. از سوی دیگر، با توجه به خیل عظیم کارگران و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی، آنها نیز جهت اخذ تسهیلات و با انجام کارهای مالی خود به یک بانک تخصصی که متعلق به خود آنها باشد، نیاز دارند.»

این کارشناس حوزه تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه طبق قانون، واگذاری سهام بانک رفاه با محدودیت هایی روبه رو است، اضافه کرد: «با توجه به این موضوع و ذی نفعان گسترده این بانک و همچنین صندوق تأمین اجتماعی، واگذاری سهام بانک رفاه به بدون هیچ حاشیه و مشکل و به دور از هر تخریف و ظایف ذاتی خود پرداخت که این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، بنابراین برای حفظ این وضعیت، باید دولت از تصمیم خود صرف نظر کند؛ زیرا این مسأله خواست جامعه کارگری و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی است. البته این امیدواری نیز وجود دارد با توجه به

رویکرد مردمی دولت سیزدهم، به خواست جامعه کارگری کشور توجه ویژه شود و این موضوع نیز سرانجام خوشی برای جامعه تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی داشته باشد. حال باید دید در آینده چه اتفاقی در این زمینه می افتد.»

این کارشناس مسائل اقتصادی تصریح کرد: «طی سالیان گذشته و با توجه به مسائل و تخلفاتی که در نظام بانکی کشور رخ داد، شاهد هستیم بانک رفاه کارگران به نوعی تنها بانکی در کشور بود که بدون هیچ حاشیه و مشکل و به دور از هر تخریف و ظایف ذاتی خود پرداخت که این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، بنابراین برای حفظ این وضعیت، باید دولت از تصمیم خود صرف نظر کند؛ زیرا این مسأله خواست جامعه کارگری و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی است. البته این امیدواری نیز وجود دارد با توجه به

رویکرد مردمی دولت سیزدهم، به خواست جامعه کارگری کشور توجه ویژه شود و این موضوع نیز سرانجام خوشی برای جامعه تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی داشته باشد. حال باید دید در آینده چه اتفاقی در این زمینه می افتد.»